



سیدعلیرضا قهاری

از آقای دکتر ایرج اعتصام سخن‌گفتن، به همان اندازه سهل و ممتنع است که زلال آب چشمه‌ها را بیان‌کردن. سخن‌گفتن دربارهٔ تساهل، مدارا، صلح و دوستی، معماری و سالم‌اندیشی در زمانه‌ای که کمپای است. در سال ۱۳۳۹، دکتر اعتصام به هیئت علمی دانشگاه تهران بیوست تا طرحی را برای تأسیس دوره شهرسازی ارائه کند. این طرح سنگ بنیاد آموزش و پژوهش نوین شهرسازی ایران شد. در دوره‌های شهرهای ایران به سرعت در حال رشد بودند و لزوم پژوهش مدون و شهرسازی سنجیده بیش از پیش احساس می‌شد، شروع دوره شهرسازی در دانشگاه تهران با دو گرایش برنامه‌ریزی و طراحی شهری بسیار معتنم بود. در سال‌های ۱۳۴۷–۱۳۴۸ تحولات بنیادی دانشگاه تهران و متعاقبا آموزش معماری و شهرسازی (که خود دانشی جوان و رو به رشد به حساب می‌آمد) را می‌توان دوره گذار از مرحله آموزش به عنوان یک اندیشه شبه‌مدرنیتبه و وارداتی به مرحله درک ضرورت تحول در آموزش «دوران پسامدرن» دانست. پیشگامان و پیشروان این تحولات نظیر دکتر ایرج اعتصام توانستند همپای دگردیسی در جامعه، گام‌های اساسی برای تبدیل مفاهیم کمرنگ و گنگ آموزش آکادمیک به جریان مترقی بردارند و با ترسیم

مروری کوتاه بر کارنامه علمی و حرفه‌ای دکتر ایرج اعتصام

عاقلان نقطه پرگار وجودند

خطوط نو به معادلات معمول در برنامه‌ریزی جاری آموزشی پایان دهند. آشنایی من با شخصیت بارز دکتر اعتصام در همین سال‌ها (در کسوت دانشجوی معماری و شهرسازی) سرنوشت‌ساز و مفید بود و سال‌ها بعد از آن نیز ادامه یافت. اندیشه جست‌وجوگر و پیشازنده دکتر اعتصام که پس از گذشت چند دهه همچنان از مباحث گوناگون معماری و شهرسازی تحول‌گرا و نوآور بود، الگوی مناسبی برای دانشجویان و دستیاران ایشان به حساب می‌آمد. دکتر اعتصام به جریان فکری نوآوری تعلق داشت که با نقد معماری و شهرسازی سدساله اخیر کشور بر این باور است که با درس‌گرفتن از معماری و شهرسازی گذشته (قبل از ورود نوآوری دهه‌های پیشین قاجار و پهلوی) می‌توان به نوآورترین آثار معماری و شهرسازی امروز ایران دست یافت. دکتر اعتصام علاوه بر آموزش، سابقه طولانی در همکاری با مهندسان مشاور و انجام پروژه‌های مشترک بین‌المللی را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد. اشتغال در عالی‌ترین سطح یک مقام دولتی، موجب شد که در مورد مسائل معماری و شهرسازی کشور صاحب‌نظر بوده و احاطه کافی داشته باشد و از این دانش و تجربیات عملی و اجرایی برای آموزش به دانشجویان معماری و شهرسازی بهره برد.

گوشه‌هایی از زندگی ایرج اعتصام که بسیاری او را پدر شهرسازی نوین ایران می‌نامند

وداع با معمار شاهچراغ و پارک ملت



«دشت‌هایی چه فراخ، کوه‌هایی چه بلند؛ هیچ بعید نیست ایرج اعتصام، معمار و شهرساز پیش‌کسوت ایرانی، هنگام مرگ این ابیات از دفتر شعر حجم سبز سهراب سپهری را مرور کرده باشد.
دفتری که همواره همدمش بود و متعلق به شاعری بود که ایرج دوران جوانی‌اش را با او سپری کرده بود، با او رفته بود و با او آمده بود. ایرج اعتصام، زاده سال۱۳۰۹ در کرگان، در سال ۱۴۰۱ در آمریکا درگذشت. رسانه‌ها علت مرگ او را کهولت سن عنوان کردند. از آثارش به طراحی بارگاه شاهچراغ اشاره کردند و در چند خط او را تحصیل‌کرده معماری در فلورانس و استاد دانشگاه برکلی و استادی ممتاز در دانشگاه تهران و بهشتی معرفی کردند. عمر فعالیت شصت‌وچندساله ایرج اعتصام اما تنها به همین چند خط محدود نمی‌شود. بخش‌هایی از مستند «اسرار شیدایی» که پرتوهای یک‌روزه از زندگی ایرج اعتصام است، او را طراح آثاری مثل پارک ملت تهران و پارک کوروش معرفی می‌کند. فرآیند ساخت پارک ملت از اواسط دهه ۴۰ آغاز شد. اعتصام برای ساخت و طراحی پارک ملت، باغ‌های انگلیسی را مدنظر قرار داد؛ باغ‌هایی که در زمین‌هایی پرازبستی و بلندی شکل گرفته بودند؛ بی‌هیچ قاعده و نظم خاصی. البته آن چیزهایی که به پارک اضافه شد، مثل سازه مستطیلی کنار ستروان جزیره یا نرده‌های اطراف دریاچه، مطلوب ایرج اعتصام نبود. اما آن چیزی که بیش از ساخته‌های ایرج اعتصام در اذهان معماران و شهرسازان بوده، فعالیت‌های او در محیط آکادمیک است.

پیروز حناچی، شهردار سابق تهران، در گفت‌وگو با «شرق» اعتصام را یکی از اشخاصی معرفی می‌کند که در راه‌اندازی دوره تکمیلی معماری و شهرسازی دانشگاه نقش داشته است:

«دکتر اعتصام استادتمام گروه شهرسازی پردیس هنرهای زیبا و فارغ‌التحصیل فلورانس ایتالیا بود. یکی از کسانی بود که هم در راه‌اندازی دوره تکمیلی معماری و شهرسازی و هم در تدوین برنامه و اجرای اولین دوره دکتری در دانشگاه نقش اساسی داشت.» حناچی البته معتقد است اعتصام صرفاً کار آکادمیک نکرده بود: «دکتر اعتصام تنها کار آکادمیک نمی‌کرد، اصطلاحاً پایش روی زمین بود، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب». شهردار سابق تهران به فعالیت‌های او اشاره می‌کند: همان فعالیت‌هایی که او در قالب مدیریت پروژه‌ها عهد‌دار بود. ویژگی‌های اخلاقی اعتصام اما در میان توصیفات حناچی از اعتصام بیش از سایر توضیحاتش پررنگ است: «از اوایل دهه ۲۰ که ایشان را اولین بار دیدم، عصبانیت‌شان را یادم نمی‌آید. با اخلاق و طمأنینه بود، آدم تأثیرگذاری بود، خیرخواه و بااخلاق بود. خاطر‌م نیست پشت سر کسی صحبت کرده باشد.»



حسین شیخ‌زین‌الدین، معمار و شهرساز پیش‌کسوت نیز وجهه آکادمیک اعتصام را پررنگ‌تر از سایر ابعاد او می‌داند و خاطرات متفاوتی از دوران تحصیلش در دانشگاه نقل می‌کند: «من تقریباً فارغ‌التحصیل شده بودم ولی گاهی به دانشگاه سر می‌زدم و هنوز ارتباطات کاملی با دانشگاه و سیستم آموزشی داشتم. آن زمان چیزهایی که الان خیلی عادی و پیش‌پاافتاده به نظر می‌رسد، شروعش بود. آن موقع آمدن آقای دکتر اعتصام، دکتر میرفندرسکی و دکتر کوثر به دانشگاه تهران با رفتن آقای مهندس سیحون مصادف شد. خود همین آمدن دکتر اعتصام، مهندس سیحون و دکتر میرفندرسکی بیانگر یک واقع‌ه بسیار مهم است.» شیخ‌زین‌الدین ادامه می‌دهد: «در کار مهندسی سابقه‌ای از لفظ دکتری نداشتیم و مهندسی یک کار پیچیده‌پیداکردن راه‌حل و خلاقیت هنری بود، به‌خصوص در معماری که به کار مهندسی اضافه شده بود؛ چون معماری ملغمه‌ای از کار هنری و کوشش بزرگ و پیچیده‌ای از حل مسائل فنی و علمی بود که این دو به هم جوش می‌خورد و دانشجو را تربیت می‌کرد و موضوعی به نام دکتر در نظام ایجاد ساختمان معنا نداشت و «دکتری» را بیشتر



برای کسانی می‌دانستیم که تحقیق تاریخی می‌کردند و درباره مسائل فلسفی بحث می‌کردند و اصولاً به مهندسی نمی‌پرداختند یا اگر مقدمه‌های برای حرفه مهندسی داشتند، این مقدمه فقط در یک سیستم تئوریک بود.» شیخ‌زین‌الدین می‌گوید اعتصام یک تغییر ماهوی در دانشگاه ایجاد کرد؛ تغییری که منجر به این شد که عده‌ای اعتصام را پدر شهرسازی ایران بدانند؛ لفظی که خود اعتصام به دلیل آشفنگی‌های شهرسازی در عصر حاضر موافق آن نبود: «رشته جدیدی به نام شهرسازی در دانشگاه ایجاد شد و آقای دکتر اعتصام نقش خیلی مهمی در این امر داشتند. این رشته به مسائل اجتماعی و بینش‌های تئوریک و حتی با اینکه در آن زمان هم مشکل بود به مسائل سیاسی توجه بیشتری داشت تا مسائل مهندسی و حل معضلات به طریق علمی و یک دوگانگی به وجود آمد؛ یعنی فرهنگی داشت به فرهنگ دیگری تبدیل می‌شد و مفاهیم جدیدی در مقابل مفاهیم قدیم عرضه شد. هرگاه می‌خواهیم در مراحل اولیه تغییری دهیم، اصلاً متوجه فرق تغییر فرهنگی و تغییر سیاسی نیستیم و ما در آن موقع یخنتگی لازم را نداشتیم که تغییری فرهنگی را بفهمیم و تغییر را به‌عنوان عوض‌شدن ریشه‌ای می‌فهمیدیم؛ بنابراین دو‌دسته شدند و عده‌ای می‌گفتند ارزش‌های زیباشناسی و

پیش‌کسوت نیز وجهه آکادمیک اعتصام را پررنگ‌تر از سایر ابعاد او می‌داند و خاطرات متفاوتی از دوران تحصیلش در دانشگاه نقل می‌کند: «من تقریباً فارغ‌التحصیل شده بودم ولی گاهی به

دانشگاه سر می‌زدم و هنوز ارتباطات کاملی با دانشگاه و سیستم آموزشی داشتم. آن زمان چیزهایی که الان خیلی عادی و پیش‌پاافتاده به نظر می‌رسد، شروعش بود. آن موقع آمدن آقای دکتر اعتصام، دکتر میرفندرسکی و دکتر کوثر به دانشگاه تهران با رفتن آقای مهندس سیحون مصادف شد. خود همین آمدن دکتر اعتصام، مهندس سیحون و دکتر میرفندرسکی بیانگر یک واقع‌ه بسیار مهم است.» شیخ‌زین‌الدین ادامه می‌دهد: «در کار مهندسی سابقه‌ای از لفظ دکتری نداشتیم و مهندسی یک کار پیچیده‌پیداکردن راه‌حل و خلاقیت هنری بود، به‌خصوص در معماری که به کار مهندسی اضافه شده بود؛ چون معماری ملغمه‌ای از کار هنری و کوشش بزرگ و پیچیده‌ای از حل مسائل فنی و علمی بود که این دو به هم جوش می‌خورد و دانشجو را تربیت می‌کرد و موضوعی به نام دکتر در نظام ایجاد ساختمان معنا نداشت و «دکتری» را بیشتر

در ستایش استاد پر آوازه معماری، ایرج اعتصام

ازخودراضی نندیدم. ستودن و ستایش دیدن با شنیدن، در او اثر نمی‌کرد. فریختهای تمام‌عیار بود.

دانست و دانش برای او فقط فرانزگی به بار آورده بود و و بیش از فضل، فضیلت داشت. در راهنمایی به همه اعم از دانشجو و استاد بُخل نداشت و تا آنجا که مقدور بود نیازهای علمی دیگران را برطرف می‌کرد.
دکتر اعتصام یکی از انگشت‌شمار افرادی است که هم در پژوهش و هم در گسترش دانش معماری و شهرسازی ایران به جد و جهد کوشیده است و این را بیش از هر چیزی، حضور وی در گستره تعلیم و تربیت معماران و شهرسازان نسل‌های اخیر به ما می‌گوید؛ حضوری که تا آخرین‌ماه‌های عمر



مهندسی روکش قضیه است و اصل قضیه مفاهیم اجتماعی، سیاسی و فلسفی است و عده‌ای می‌گفتند مسائل سیاسی و فلسفی بهانه‌های است برای کسانی که مهارت لازم و خلاقیت و توانایی حل مسائل علمی را ندارند.» شیخ‌زین‌الدین در ادامه می‌گوید در میان همین دودستگی‌ها دانشجویان از حضور اعتصام حظ وافی می‌بردند: «دکتر اعتصام در آن زمان آمدند. از بینش و نقطه‌نظر مفاهیم اجتماعی، فلسفی، تاریخی و حتی سیاسی بهره بردیم. البته می‌توانستیم بخشی از آن را بفهمیم و بخشی را نمی‌فهمیدیم. این اتفاق مهم، بزرگ‌ترین اتفاقی بود که الان کسی به آن توجه ندارد که چگونه مفاهیم تدریس و معماری و تربیت معمار و شهرساز تغییر کرد؛ یعنی در آموزش در‌حال‌حاضر افرادی داریم که مهارت فنی‌شان، خلاقیت‌شان و قدرت مهندسی‌شان خیلی کم است، اما انبار تئوری بزرگی هستند که به حال کشور مفید نیست.» این‌دو وجه مکمل یکدیگرند؛ یعنی باید به تمام کسانی که معماری می‌خوانند، دو وجه را با قدرت تمام تعلیم داد تا در آینده در شکل‌دهی بنیان اجتماعی ما، یعنی انجام کارهای مفیدی که به خوشبختی جامعه منجر می‌شود، ازجمله شهر، مسکن، تفریاق و… کمک کند. اینها مسائلی است که جنبه ندارند و اگر کسی یک جنبه فلسفی یا سیاسی‌اش را ببیند، مانند یک شاگرد نوآموز است.

به علاوه ارتباط دکتر اعتصام با خارج از کشور و سفرهای متناوب برای تدریس و اشتغال به حرفه در کشورهای دیگر به غنای این فرایند می‌افزود. تدریس در دانشگاه‌های خارج و ارتباط علمی-فرهنگی با مراکز صاحب‌نام جهان، از دکتر اعتصام یک چهره بین‌المللی در حوزه معماری و شهرسازی ترسیم کرد که مشابه آن بین پیشگامان آن دوران کمتر دیده می‌شد. شخصیت دکتر اعتصام دارای سه جنبه سازنده و تحسین‌برانگیز است؛ نخست بعد دانش و احاطه‌داشتن به علوم زمانه و دوم شخصیت فردی آرام و متین و سوم شخصیت اجتماعی دارای صمیمیت و دوستی و خیرخواهی برای دانشجو، جامعه، دانشگاه و حرفه معماری و شهرسازی. ارتباط دکتر اعتصام با مجامع فرهنگی- علمی بین‌المللی موجب شد که استادان عالی‌رتبه جهانی، مناسبات خوبی با مجامع ایرانی پیداکنند و همکاری‌های ارزنده‌ای داشته باشند. سازماندهی و اداره منظم همایش‌ها، کیفیت بالای مقامات و تعاملات و به‌ویژه انرژی و پویایی دکتر اعتصام که سعی تمام داشت تا با ارتقای کیفیت برنامه‌ها به بار علمی-فرهنگی همایش‌ها بیفزاید، همواره قابل ستایش بود. در طول ۶۰ سال از آغاز کار حرفه‌ای، کارنامه دکتر اعتصام سرشار از خدمات فنی، علمی و فرهنگی

باید بیچیدگی‌های مهندسی و مسائل علمی‌اش را هم دید.»
باین‌حال، شیخ‌زین‌الدین بیشتر اعتصام را شهرساز می‌داند تا سازنده و طراح ساختمان: «من بیشتر اهمیت دکتر اعتصام را در بخش شهرسازی می‌بینم و در جاهایی که مفاهیم را وارد کردند و عده زیادی را تربیت کردند. این مفاهیم خیلی بزرگ‌تر است برای ارزیابی این یا آن ساختمان؛ یعنی تأثیرگذاری که در حوزه تدریس و آموزش داشتند، آن‌قدر اثرگذار بوده که بهتر است.»

علی اعطا، معمار و عضو کمیسیون معماری و شهرسازی شورای پنجم شهر تهران، از تجربه مواجهه شخصی خودش با اعتصام برای بیان گوشه‌هایی از زندگی اعتصام کمک می‌گیرد: «من در مقطع دکتری معماری دانش‌جوی دکتر اعتصام شدم و در دروس حوزه معماری و شهرسازی معاصر ایران و جهان در کلاس‌های درس ایشان با اشتیاق شرکت می‌کردم. شاید طول دوران آشنایی نزدیک چندان زیاد نبود، اما در همین دوران، این آشنایی عمق زیادی پیدا کرد تا جایی که ایشان راهنمایی رساله دکتری‌ام را پذیرفتند.»

اعطا اعتصام را معلمی برجسته و کم‌نظیر معرفی می‌کند: «دکتر اعتصام به گمان من معلم برجسته و کم‌نظیری بود و با شناخت جامع و عمیق نسبت به معماری معاصر و تجربه طولانی تدریس، در جایگاه بلندی در زمینه تدریس معماری معاصر ایران و جهان در کلاس‌های درس ایشان با اشتیاق شرکت می‌کردم. شاید طول دوران آشنایی نزدیک چندان زیاد نبود، اما در همین دوران، این آشنایی عمق زیادی پیدا کرد تا جایی که ایشان راهنمایی رساله دکتری‌ام را پذیرفتند.»

اعتصام را کنجینه مهمی از دانش معماری می‌داند: «دکتر اعتصام با توجه به سابقه طولانی تدریس حتی در دوران بازنشستگی، کنجینه مهمی از دانش مربوط به مکاتب و شیوه‌های آموزش معماری بود که یکی از موضوعات مهمی که معمولاً پژوهشگران تاریخ معماری به آن علاقه دارند، تاریخ آموزش معماری است. آموزش رشته معماری به‌عنوان تلفیقی از دانش، مهارت فنی و هنر همیشه مسئله‌ای تامل‌برانگیز برای پژوهشگران بوده و دکتر اعتصام از معدود پایه‌انگانی بود که به دلیل تجربه تدریس معماری از دهه ۴۰ تا به امروز و ارتباط مستمر با مجامع علمی و دانشگاهی جهان، دانش وسیعی در زمینه مکاتب و شیوه‌های آموزش معماری داشت و اتفاقاً درسی با همین عنوان را نیز در مقطع دکتری معماری تدریس می‌کرد.»

«هر کسی هر ایده‌ای داشته در این شهر پیاده کرده است.» این دیالوگ در بخشی از مستند اسرار شیدایی شنیده می‌شود؛ ایرج اعتصام معتقد است آشفنگی‌های پایتخت در سال‌های اخیر از همین موضوع نشئت گرفته است: «بعضی وقت‌ها می‌شنوم که به من می‌گویند پدر علم شهرسازی، دوست ندارم این را بگویند، مردم فکر می‌کنند مقصر این شهر من هستم.» اما ای‌کاش اعتصام لحظه مرگ نه به این حرف‌ها بلکه تنها به دشت‌ها و کوه‌های فراخ تهران فکر کرده باشد و شعر سپهری را خوانده باشد.

شد. در تدوین پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد و رساله دوره دکتری افتخار داشتم به عنوان استاد مشاور از حضور و راهنمایی دکتر اعتصام بهره ببرم و از بینش و اشراف عمیق دکتر نسبت به مسائل روز حوزه معماری و شهرسازی بسیار نکته‌ها آموختم.

حضور منظم ایشان در دانشکده و اختصاص همه زمان حضور در محل کار به مطالعه، تحقیق و آموزش، وقت‌شناسی مثال‌زدنی، توجه عمیق ایشان به مقوله آموزش و پژوهش و تکریم و احترام استادان و دانشجویان ازجمله درس‌هایی بود که از این استاد فزانه گرفتم و به قول استاد منوچهر پبیبیان، اعتصام استادی به وسعت ایقانوس بود که به جز ایر کوچک اطرافش (دانشجویان) هم اهمیت می‌داد.

آرامش و گشاده‌رویی که به شکل خصیصه اثرگذار همواره با او بود، در کنار صبوری و

در ایران و سایر نقاط دنیاست. آنچه مایه الهام به‌ویژه برای من بود، ادامه خستگی‌ناپذیری این خدمات است؛ تدریس، تالیف و مشاوره در پروژه‌های اجرایی کشور. هیچ‌گاه کینه‌ای نسبت به کسی نداشت، حتی اگر انتقادی هم بود این انتقاد را بسیار روان و بدون تنگ‌نظری مطرح می‌کرد. همین روش باعث می‌شد مخاطب به صحت‌هائیش گوش جان بسپارد تا دریابد که این انتقاد فقط از موضع مصلحت است. از کسی خرده نمی‌گرفت. با آرامش زندگی می‌کرد و با همان شفافیت که در وجودش بود، با همه ارتباط برقرار می‌کرد. بسیار انعطاف‌پذیر بود و علی‌رغم مقام بالایی که در زمینه تدریس و مسئولیت داشت، همیشه متواضع بود. در عین حال هیچ‌وقت از مواضع خود عدول نمی‌کرد و مطالب را آن‌گونه بیان می‌کرد که مورد پذیرش قرار گیرد. درواقع بلندنظری همراه با فروتنی و گستراندن سفره دانش خود برای دیگران و اینکه همه حق حضور دارند و همه حق دانستن و پیشرفت دارند. داشتن چنین روحیه‌ای، باعث می‌شد همه جا با هر انسانی بتواند رابطه علمی، آموزشی و حرفه‌ای مناسبی برقرار کند. روحش شاد.

✦ رئیس هیئت‌مدیره انجمن مفاخر معماری ایران



ادامه از صفحه ۲

نمی‌توان تبصره ماده ۴۸ را به مرحله دادگاه یا تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی یا اجرای احکام تسری داد

وی افزود: در زمانی که حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌از‌ه‌ای معاون اول قوه قضائیه بود، بارها تأکید کرد که این تبصره مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی است. برای مثال ایشان در خرداد ۱۳۹۷ در دیدار با هیئت‌مدیره کانون وکلای مرکز به‌صراحت به این موضوع اشاره کرده است.

معاون اول قوه قضائیه تصریح کرد: اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریات متعدد تأکید کرده این تبصره صرفا مربوط به تحقیقات مقدماتی است و دستگاه قضائی همواره نیز مخالف این تبصره بوده اما ملزم به رعایت قانون و اجرای آن است. در تلاش هستیم از طریق مجلس شورای اسلامی در قالب اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری این تبصره را اصلاح کنیم و البته تصمیم‌گیری با قانون‌گذار است و امیدواریم این مسئله به فوریت در مجلس شورای اسلامی حل‌وفصل شود.
وی افزود: معتقد هستیم حضور وکیل مورد انتخاب متهم در دادرسی نه تنها خللی در رسیدگی ایجاد نمی‌کند بلکه کمک بزرگی به قاضی در جهت کشف حقیقت و صدور رای متقن و مستند خواهد بود.

اوج دوگانگی برجامی

البته این گزاره به معنای اعلام مرگ برجام و بسته‌شدن کامل درهای دیپلماسی نیست، چراکه برای هیچ طرفی از ایران گرفته تا ایالات متحده، اروپا و… گزینه بهتری وجود ندارد؛ بنابراین اگرچه مذاکره و برجامی در کار نیست، اما کسی هم جرئت اعلام مرگ توافق هسته‌ای و خروج همیشگی از مذاکرات را ندارد. به هر حال اتخاذ این سیاست برای واشنگتن و قاره سبز که با جنگ اوکراین و چالش‌های دیگری مواجه هستند، به معنای آن خواهد بود که پرونده هسته‌ای از بحران سیاسی به بحران امنیتی تغییر فاز می‌دهد و در آن سو تهران هم به واسطه برخی مشکلات، تمایلی برای تشدید معضلات ندارد. هرچند در این‌میان از مواضع اسماعیل کوثری برای کاهش روابط ایران با تروئیکا اروپایی گرفته تا حمله علی خضریان بر حسین امیرعبداللیهان، پیاداست که برخی سته‌راهه و جریان‌ها-گزینه «تشدیدی‌تخاصم و تنش» را ظاهرا سنجاریوبی مطلوب می‌دانند. حال باید دید که دوگانگی داخلی تا چه حد مانع جدی خواهد بود؟
دیاکو حسینی در ادامه کپ‌وگفتش با «شرق» تأکید دارد که «موضوعات مهم و استراتژیک در حوزه سیاست خارجی به‌ویژه برجام در سطوحی پیچیده‌تر و بالاتر از دولت‌ها در ایران پی گرفته می‌شوند؛ البته دولت‌های در پیشرد و نحوه اجرای آن سیاست‌های به سهم خود نقش دارند، اما عامل تعیین‌کننده و تمام‌کننده نیستند.»
از این منظر تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی اعتقاد دارد که با وجود برخی کارشکنی‌های داخلی و شنیدن مواضع مخرب، در سطوح عالی نظام تصمیم نهایی بر این است که مذاکرات پیش برود و توافق حاصل شود. با این برآورد، دیاکو حسینی ارزیابی صددرصدی از محلات و همه‌های سیاسی داخلی به مذاکرات ابراهیم سیر بیاض موضوع‌گیری قطعی را به آینده تحولات منوط می‌کند. با وجود این نکته تحلیلگر مسائل بین‌الملل کماکان تأکید دارد که ایران در تصمیم نهایی خود «توافق» را یک مسیر درست می‌داند؛ اما توافقی که بیشترین فرصت و امتیاز را برای کشور و کمترین هزینه را برای منافع ما داشته باشد.

در تداوم آنچه حسینی عنوان کرد، علی رضوان‌پور اعتقاد دارد که باید تهران به سمت ایجاد موازنه سیاسی درست و عقلانی بین شرق و غرب گام بردارد؛ چراکه در این صورت خواهد بود که ایران می‌تواند همه منافع ذیل احیای برجام را برای خود محقق‌کنند. در این زمینه تحلیلگر ارشد حوزه اروپا به «شرق» می‌گوید که تهران باید برنامه روشن، جامع و درستی برای احیای برجام و مذاکرات هسته‌ای به‌خصوص با قاره سبز داشته باشد؛ چون از دید این استاد دانشگاه بدون وجود برنامه نمی‌توان از بهبود روابط سخن گفت. رضوان‌پور در ادامه تحلیلش بر این نکته کلیدی دست می‌گذارد که «باید پذیرفت برجام بیون مستقیم و چگونگی ارتباط تهران با غرب را تعیین می‌کند. در نتیجه اعلام برخی مواضع داخلی در ایران برای قطع یا کاهش روابط با اروپا به سود هیچ طرفی به‌ویژه تهران نخواهد بود.» این استاد دانشگاه هدایت مسیر سیاست خارجی ایران از طرف برخی جریان‌ها و جناح‌ها به سمت قطع روابط و نهایتاً «انزوا» را به‌هیچ‌وجه عقلانی نمی‌داند، پس رضوان‌پور کپ‌وگفتش با «شرق» را با تأکید بر این نکته به پایان می‌رساند که «ایران با نگاهی به سه اصل حکمت، مصلحت و عزت و توجه به منویات رهبری باید سیاست موازنه دیپلماتیک و استفاده از ظرفیت‌های کشور‌های شرق و غرب را پیش ببرد.»